

The Impact of Economic Structure of Family on Spatial Structure of Houses; A Case Study on Yazd City

Abstract

Every architectural space is designed to accommodate specific activities and needs of its inhabitants. Therefore, the structure of space is influenced by various factors, one of the most important being family structure. After industrialization, the role of the family as an economic unit shifted from being a productive-consumer entity to a purely consumer-based one. These changes led to alterations in family structure, affecting the roles, relationships, and needs of family members. As a result, different residential styles emerged, profoundly impacting the spatial structure of homes. The primary question of this research is: "How has the spatial structure of homes in Yazd changed as a result of the evolving economic role of the family?" This qualitative study employs grounded theory for data analysis. Participants were selected through purposeful sampling with the process continuing until theoretical saturation was reached. Data collection involved in-depth, semi-structured interviews, as well as both participant and non-participant observations. All selected participants owned their homes and were interviewed within their residences. Five participants were chosen for each of the housing patterns discussed. Grounded theory was applied to analyze the data through three coding stages: open coding, axial coding, and selective coding. The literature review helped identify the main categories of analysis, which include: the power structure of the family, the relationships between family members, and the family's functional roles. For case studies, three prevalent housing patterns in Yazd were purposefully selected, and numerous interviews were conducted with residents. The selected housing types were: (1) traditional homes with central courtyards, (2) transitional homes (one or two stories with courtyards to one side), and (3) modern apartment buildings that follow a relatively similar pattern throughout the city. All three housing types are still in use today, accommodating families with different structures and economic needs. This diversity was a key reason for choosing Yazd for this research. The literature indicated that the power structure, relationships, and functions within the family have changed in response to economic shifts. Data analysis revealed that these changes in Yazd families are reflected in the evolving roles of fathers, mothers, and children, a decrease in family cohesion, an increase in individualism, and shifts in the functionality of the home. These transformations in family dynamics have also influenced the spatial organization

Received: 29 Mar 2024

Received in revised form: 16 May 2024

Accepted: 21 Jun 2024

Elham Fallah 

Assistant Professor of Architecture, School of Architecture,
College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

E-mail: elhamfallah@ut.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.388948.673045>

of homes by diminishing age and gender hierarchies, focusing more on individual space, reducing spatial fluidity, and altering the qualities expected from different spaces. The findings of this study are applicable to many towns with structures similar to Yazd. Additionally, the research methodology used in this study can serve as a valuable framework for similar research in other contexts.

Keywords

Economic Structure of Family, Spatial Structure, Family Structure, Housing, Yazd

Citation: Fallah, Elham (2024). The impact of economic structure of family on spatial structure of houses; A case study on Yazd city, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 29(2), 73-85. (In Persian)



تأثیر ساختار اقتصادی خانواده بر ساختار فضایی مسکن (مطالعه موردی شهر یزد)

چکیده

تحولات گسترده اقتصادی در ایران که با انقلاب صنعتی شدت یافت، ساختار اقتصادی خانواده را متحول نموده است و با تغییر جایگاه، روابط و نیازهای افراد خانواده، زمینه‌ساز تغییر در سازمان فضایی مسکن شده است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که با تغییر ساختار

اقتصادی خانواده، ساختار فضایی خانه در شهر یزد چه تغییراتی را پشت سر گذاشته است؟ در این راستا، نمونه‌هایی از الگوهای غالب مسکن سه دوره یزد به صورت هدفمند انتخاب شد. روش این پژوهش نظریه زمینه‌ای است و تحلیل نتایج از طریق کدگذاری داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها نیز از پرسش‌نامه‌های عمیق نیمه ساختار یافته و مصاحبه‌های باز همراه با مشاهدات آزاد و مشارکتی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که خانواده پس از تحولات ساختار اقتصادی، دچار تغییراتی در عملکرد خود، پیوند اعضا و ساختار قدرت شده است. این موارد در مقیاس خانواده، خود را به صورت تغییر جایگاه مرد، زن و فرزند، کاهش محوریت جمع، افزایش محوریت فرد و تغییر عملکرد خانه نشان داده است و تأثیر آن‌ها در سازمان‌دهی فضاها، به صورت حذف سلسله مراتب سنی و جنسی در سازماندهی فضاها، محوریت فرد در سازماندهی فضاها، کاهش سیالیت فضاها، و تغییر کیفیات مورد نظر ساکنان از فضاها، نمود یافته است.

واژه‌های کلیدی

ساختار اقتصادی خانواده، ساختار فضایی، ساختار خانواده، مسکن، شهر یزد

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

الهام فلاح: استادیار معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: elhamfallah@ut.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.388948.673045>

مقدمه

ماهیت جامعه و آنچه در رفتار اعضای آن جلوه می‌یابد، اغلب در چگونگی طراحی و ساختار فضایی بناها نمود می‌یابد، زیرا هر فضای معماری به منظور در برگرفتن فعالیتی معین و برای پاسخگویی به نیاز استفاده‌کنندگان پدید می‌آید و شکل آن از نیازهای استفاده‌کنندگان تأثیر پذیرفته و با تغییرات نیازها تغییر می‌کند. بنابراین از یک نگاه می‌توان فضا را تجربه تاریخی انسان‌ها و تجربه زندگی روزمره آن‌ها تعریف نمود. تولید فضا یا مکان در دوره‌های مختلف تاریخی متفاوت بوده است چراکه بازیگران فضا، موقعیت‌ها، عملکردها، ارزش‌ها، نوع معیشت و روابط، همگی در طول تاریخ تغییرات فراوانی داشته‌اند (فکوهی، ۱۳۸۸، ۲۳۹). در این میان انسان‌ها به عنوان بازیگران فضا، همواره نقش اصلی را در تغییر به عهده داشته‌اند. انسان‌ها در قالب مهم‌ترین نهاد جامعه به نام خانواده، در مسکن زندگی می‌کنند و با تغییر جامعه، جایگاه، پیوندها و نیاز آن‌ها در خانواده متحول می‌شود. امروزه، عدم توجه به تحولات خانواده و شیوه زندگی آن‌ها در طراحی مسکن، موجب شده مسکن از هدف اصلی خود که ایجاد محیطی برای سکونت است، فاصله بگیرد و در بسیاری از خانه‌های امروز، محیط ذهنی و آرمانی طراح و سازندگان با محیطی که توسط ساکنان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد فاصله زیادی داشته باشد. در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در زمینه رابطه انسان و مسکن انجام شده است که هریک به نوعی سعی دارند مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژی را در ارتباط بین انسان و مسکن دخیل بدانند. از میان این عوامل، اقتصاد همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات خانواده بر عهده داشته است. تحولات اقتصادی که با انقلاب صنعتی شدت یافته‌است، ساختار اقتصادی خانواده را تحت تأثیر قرار داده و منجر به تغییر نقش و جایگاه افراد می‌شود که این عامل خود تغییر سازمان فضایی مسکن را در پی دارد. با وجود اهمیت این موضوع جای خالی آن در پژوهش‌هایی که به ارتباط بین انسان و مسکن می‌پردازند دیده می‌شود در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که با تغییر ساختار اقتصادی خانواده، ساختار فضایی خانه در شهر یزد چه تغییراتی را پشت سر گذاشته است؟

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی است و روش پژوهش نظریه‌زمینه‌ای است. برای پیشبرد پژوهش ابتدا عوامل مؤثر بر تحولات مسکن و جایگاه پژوهش در بررسی این مؤلفه‌ها معرفی شد سپس با بهره‌گیری از مبانی نظری حوزه علوم اجتماعی، تغییرات ساختار خانواده که از تغییرات ساختار اقتصادی آن تأثیر پذیرفته‌است مورد مطالعه قرار گرفت و بر اساس آن مقولات عمده مشخص شد. در مراحل بعدی نیز، داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها و مشاهدات کدگذاری و تحلیل شدند. به دلیل لزوم توجه همزمان پژوهش به ساختار خانواده و ساختار فضایی مسکن، نمونه‌ها به صورت هدفمند، از بین الگوهای غالب مسکن یزد که ساختار خانواده با مسکن آن‌ها هماهنگی بسیار دارد انتخاب شد. جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های عمیق و مصاحبه‌های باز همراه با مشاهدات آزاد و مشارکتی استفاده شد. همه افراد انتخاب شده مالک مسکن خود بودند و در محل زندگی با آن‌ها مصاحبه شد. با توجه به این که در پژوهش‌های

کیفی امکان حضور مستمر در میدان پژوهش اهمیت زیادی دارد این موضوع از معیارهای مهم انتخاب نمونه‌های موردی بود. انتخاب نمونه‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده‌های به دست آمده تکراری شدند که در ادبیات پژوهش کیفی به آن اشباع داده گفته می‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۴، ۲۳۰). باتوجه به مراحل ذکر شده در بالا از هر الگوی مسکن، پنج مورد برای مصاحبه انتخاب شد. پرسش‌های مصاحبه در سه بخش سازماندهی شدند. بخش اول، شامل مشخصات پرسش‌شونده و اعضای خانواده او بود. بخش دوم از سؤالاتی تشکیل شده بود که با تأکید بر الگوهای رفتاری و شیوه زندگی ساکنان، سعی در روشن ساختن ساختار خانواده را داشت. در این بخش مقوله‌های معرفی شده در بخش مبانی نظری (عملکرد خانواده، پیوندهای افراد خانواده و ساختار قدرت در خانواده) مبنای پرسش‌ها بودند. بخش سوم نیز پرسش‌هایی را در بر می‌گرفت که سعی در شناخت نحوه استفاده افراد از فضاها، تغییرات صورت گرفته در بنا، تغییرات مورد نیاز، دلایل آن‌ها و میزان رضایت پرسش‌شونده از فضای زندگی خود را داشت.

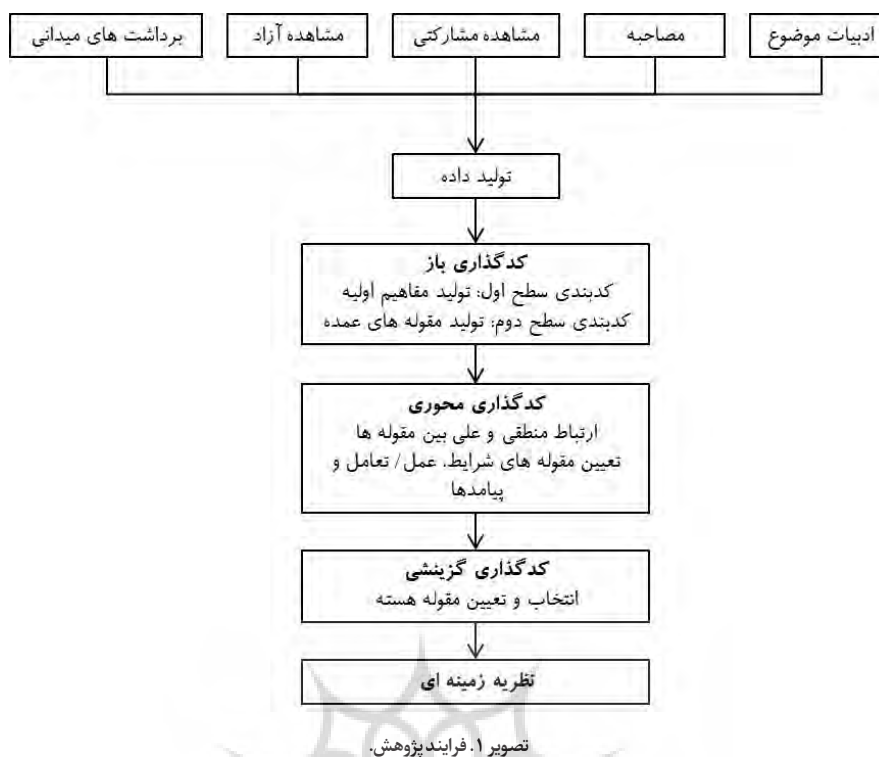
روش پژوهش چنان که بیان شد نظریه‌زمینه‌ای است. نظریه‌زمینه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. فرایند اصلی تحلیل در این روش، کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌های خام و استخراج مفاهیم و مقولات اصلی و روابط بین آن‌ها در چارچوب یک تئوری ساخته شده توسط محقق است. جهت تحلیل داده‌ها در این شیوه از سه مرحله کدگذاری استفاده می‌شود ۱- کدگذاری باز^۲، ۲- کدگذاری محوری^۳، ۳- کدگذاری انتخابی^۴ (استراوس و کربین، ۱۳۹۴) که فرایند آن در نمودار بیان شده است تصویر (۱).

پیشینه پژوهش

شیوه پاسخگویی مسکن به نیاز ساکنان از یک مکان به مکان دیگر متفاوت است و تحت تأثیر عوامل محیطی، جهان‌بینی افراد، شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارد. این عوامل در یک مکان با گذشت زمان به طور تدریجی تغییر می‌کنند و رابطه انسان و مسکن را تحت تأثیر قرار می‌دهند راپاپورت (۱۳۸۹). عوامل تأثیرگذار بر تحولات مسکن را، اقلیم و نیاز به سرپناه، مصالح و تکنولوژی ساخت و ساز، عوامل دفاعی، عوامل اقتصادی و مذهب، عوامل اجتماعی و فرهنگ بیان می‌کند. در این میان اقلیم یک پدیده ثابت است اما سایر عوامل همواره در حال تحول هستند و نیازهای انسان و نحوه پاسخگویی مسکن به این نیازها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هانان در پژوهش‌های خود تأثیر فرهنگ را بر مسکن مورد توجه قرار داده است. (Hanan, 2012). یانسی نیز به موضوع اقتصاد و اجتماع توجه کرده است (Yancey, 1985). در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در زمینه رابطه انسان و مسکن انجام شده است که هریک به نوعی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییرات مسکن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. برخی از این مطالعات که در ایران انجام شده است، بر اساس مؤلفه‌های مورد بررسی، در جدول (۱) دسته‌بندی شده‌اند.

با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان عوامل اصلی تأثیرگذار بر مسکن را تکنولوژی، سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد بیان نمود:

تکنولوژی: عامل تکنولوژی را می‌توان تکنولوژی‌های ساخت، وسایل خانه، تأسیسات و تجهیزات سرمایش، گرمایش، روشنایی و آبرسانی بیان



جدول ۱. دسته بندی مطالعات صورت گرفته در زمینه عوامل تأثیرگذار بر تحولات مسکن در ایران.

پژوهش ها	تاریخ انجام پژوهش	عوامل تأثیرگذار بر تحولات مسکن
آقالطیفی	۱۳۹۱	سیاست، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد، تکنولوژی. (تأکید بر فرهنگ و اجتماع)
جهان پور	۱۳۸۰	سیاست، تاریخ، اجتماع، فرهنگ، مهندسان معمار، تکنولوژی و عوامل خارجی.
یزدانفر فاضلی پوردیهیمی	۱۳۹۲ ۱۳۸۷ ۱۳۹۲	فرهنگ.
خاکپور	۱۳۸۴	جغرافیا، اقلیم، معیشت و فرهنگ عمومی منطقه.
علی الحسابی و کرانی	۱۳۹۱	فرهنگ و هویت، اقتصاد، تکنولوژی، روابط اجتماعی، سیاست.
راپاپورت	۱۳۴۷	مضال و تکنولوژی ساخت و ساز، عوامل دفاعی، اقتصاد، مذهب، اجتماع و فرهنگ. (تأثیر فرهنگ را غالب بر همه می داند)

نمود که تأثیرات آن ها بر کالبد بنا ملموس است.

سیاست: سیاست هایی که در هر دوره توسط دولت اتخاذ می شود، مانند تدوین مقررات خاص و یا طرح های تشویقی و اعطای تسهیلات که جریان ساخت مسکن را به سمت های مختلف سوق می دهد. چنان که به بیان دکتر فلامکی «شکل سکونت امروز علاوه بر تأثیر پذیری از انسان از دولت نیز تأثیر می پذیرد، نهادی که بر مبنای تافته پیچیده ای از رابطه های متنوع و متغیر به تعیین و تشخیص و تدوین ضابطه های مسکن می پردازد» (فلامکی، ۱۳۷۱، ۲۱).

فرهنگ: رابطه فرهنگ با مسکن موضوعی است که تاکنون پژوهش های مختلفی را به خود اختصاص داده است در این زمینه راپاپورت از همه پیشگام تر است او معتقد است که انتخاب از میان گزینه های مختلف طراحی مسکن، حتی هنگامی که در مقابل امکانات فیزیکی متعدد قرار داریم، بر اساس آداب و رسوم و روش های سنتی آن فرهنگ صورت می گیرد (راپاپورت، ۱۳۹۲، ۸۳). او با هدف روشن ساختن ساختار کلی فرهنگ، آن را به اجزایی تقسیم کرد که عبارتند از جهان بینی و

ارزش ها، او فرهنگ را منشأ جهان بینی و جهان بینی را منشأ ارزش ها می داند و ارزش ها را از عوامل اصلی شیوه زندگی بر می شمارد.

اقتصاد: از دیگر عوامل بسیار تأثیرگذار بر ساختار مسکن، که معمولاً از جانب پژوهشگران معماری مورد بی توجهی قرار می گیرد، اقتصاد است. مسکن از دید اقتصادی نوعی کالا است و به عنوان یک کالای اقتصادی تحت تأثیر بازار عرضه و تقاضا قرار دارد. عوامل اقتصادی مانند درآمد خانوار، نرخ مسکن و تورم آن، هزینه اجاره، نسبتی از درآمد که به مسکن اختصاص داده می شود و در کل سیاست های اقتصادی دولت، بازار مسکن را جهت می دهند. اما علاوه بر این موضوعات، اقتصاد تأثیر خود را در قالب نقش اقتصادی افراد خانواده، بر ساختار مسکن نشان می دهد چنان که شیوه های معیشتی و زیستی گوناگون مانند شیوه های دامپروری، کشاورزی و صنعتی هر کدام نظام مسکونی خاص خود را به وجود آورده اند. در این زمینه مک کارتی معتقد است که شرایط شغلی و معیشتی اعضای خانواده رابطه ای نزدیک با شرایط زندگی آنان در خانه دارد و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، وظایف و جایگاه آن ها در خانواده، به شغل و پایگاه

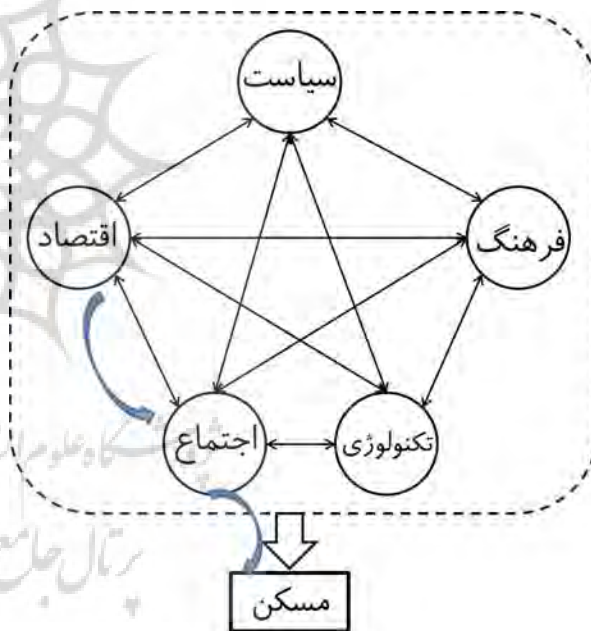
کاهش داد. شهر یزد نیز انقلاب صنعتی را در دهه ۱۳۰۰ تجربه کرد؛ راه اندازی کارخانه اقبال که برخی تاریخ آن را سال ۱۳۰۲ می‌دانند، سرآغاز ورود صنعت و موج دوم به شهر یزد است. از زمانی که صدای بوق کارخانه اقبال در فضای شهر طنین افکند، اولین گام مدرن‌سازی و نوسازی این شهر برداشته شد. از آن زمان بود که تغییرات و تحولات بنیادی در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم و ساختار فضایی شهر آغاز گردید و چهره شهر در مدت چند دهه به طور قابل ملاحظه‌ای متحول شد (دهقان منشادی و هاشمی باجگانی، ۱۳۸۸، ۶۷). چنان‌که کارخانه‌های بزرگ و تولیدات انبوه و ماشینی جایگزین تولیدات اندک شدند. این تحولات به سرعت زندگی مردم را نیز دگرگون ساخت. پیش از این معیشت مردم از طریق کشاورزی و دامداری و یا کار در کارگاه‌های کوچک صنایع دستی تأمین می‌شد اما پس از تحولات ناشی از انقلاب صنعتی و ساخت کارخانه‌های متعدد، برخی به کارگری و شغل‌های خدماتی در کارخانه‌ها پرداختند و ساختار اقتصادی خانواده با تحول بزرگی مواجه شد.

در مورد ساختار خانواده و تغییرات آن نظرات متفاوتی وجود دارد و جامعه‌شناسان با پیش‌فرض‌های متفاوت و متعارض تئوری‌هایی را ارائه نموده‌اند.^۵ در ادامه جهت بررسی موضوع مورد نظر، تغییرات ساختار خانواده که از تحولات اقتصادی تأثیر پذیرفته‌اند از دیدگاه جامعه‌شناسان مختلف بیان شده است.

پیش از صنعتی شدن، بیشترین فعالیت اقتصادی در خانواده انجام می‌گرفت. در آن دوره خانواده علاوه بر محصولات کشاورزی کالا هم تولید می‌کرد و خدمات نیز ارائه می‌داد. بنابراین نیروی کار برای حفظ اقتصاد خانواده و کمک به افراد سالمند لازم بود. با توجه به این که فرزندان نیروی کار خانواده بودند، داشتن تعداد بیش‌تری فرزند به معنای تقویت اقتصاد خانواده بود. پس از صنعتی شدن، شیوه‌های تأمین معیشت خانواده تغییر کرد و خانواده از یک واحد تولیدی- مصرفی به یک واحد مصرفی تبدیل شد. در نتیجه این تحولات، شکل خانواده نیز تغییر کرد و از الگوی گسترده به هسته‌ای تبدیل شد. خانواده گسترده شامل سه نسل و بیشتر بود که با هم در یک خانه و بر محور یک فعالیت تولیدی جهت مصرف زندگی می‌کردند (اعزازی، ۱۳۸۷، ۱۱). در خانواده گسترده پدر کارفرمای اقتصادی نیز بود و مدیریتی در خانواده شکل گرفته بود که پدر مآبی خوانده می‌شود. با مشغولیت جوان‌ها در حرفه پدر، خانواده‌های نوپا در چارچوب خانواده‌های بزرگ‌تر جای می‌گرفتند و این موضوع علاوه بر افزایش حجم خانواده، ترکیب خانواده و روابط آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد (ساروخانی، ۱۳۸۵، ۱۶). در چنین جامعه‌ای کاربایی از سوی پدر برای فرزندان بسیار اهمیت داشت و خانواده مهم‌ترین واحد اجتماع بود که در وظایف مهمی چون آموزش، جامعه‌پذیری، اشتغال و غیره، مشارکت داشت. در خانواده گسترده حقوق و آزادی‌های فردی معنایی نداشت و تنها تعلق به خانواده، جایگاه و نقش اجتماعی افراد را تعیین می‌کرد. با تحولات اقتصادی و تغییر شیوه‌های تأمین معاش از اشتغال فرزندان در حرفه پدران کاسته شد. در جامعه صنعتی امروز، افراد به واسطه صلاحیت و شایستگی‌های خویش به کار گرفته می‌شوند و در زندگی روزمره به فعالیت‌ها و وظایف تخصصی خود مشغولند (فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲، ۷۱). این افراد پایگاه‌های ویژه‌ای را اشغال می‌کنند و هنجارها و ارزش‌های متمایز، راهنمای رفتار شخصی آن‌ها است. نتیجه

اجتماعی آن‌ها در خارج از خانه مربوط می‌شود (مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰، ۴۱۵).

اجتماع: پوردیهیمی (۱۳۹۰) مهمترین جنبه محیطی تأثیرگذار بر مسکن را عوامل اجتماعی می‌داند و آن را شامل عقاید مذهبی، ساختار طایفه، ساختار خانواده، سازمان اجتماعی و روابط اجتماعی بین افراد و خویشاوندان می‌داند علی‌الحسابی و کرانی (۱۳۹۲، ۲۲) نیز معتقد هستند که عوامل اجتماعی در ابعاد کمی و کیفی بر ساختمان تأثیرگذار هستند. در بخش کمی، شاخص‌هایی مانند تراکم، تسهیلات، خدمات و بعد خانوار و در بخش کیفی خصوصیتی مانند نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده، شیوه ملاقات با دیگران، حضور زنان در جامعه و میزان و چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن در شکل‌گیری و تحولات مسکن هر دوره تاریخی مؤثر بوده‌اند. در تصویر (۲) عوامل مؤثر بر تغییرات مسکن بیان شده است که از میان آن‌ها اقتصاد و اجتماع مورد نظر مطالعه حاضر است. چراکه پژوهش تأثیر تحولات اقتصادی را بر ساختار اقتصادی خانواده، نقش و جایگاه افراد مورد مطالعه قرار داده و سپس تحولات ساختار خانواده را بر ساختار فضایی مسکن مورد تحلیل قرار می‌دهد.



تصویر ۲. عوامل مؤثر بر تحولات مسکن و جایگاه پژوهش حاضر در بررسی این عوامل.

مبانی نظری پژوهش

انقلاب صنعتی و تولد سرمایه‌داری در اواسط قرن هجدهم اتفاق افتاد و جدای از پیامدهای سیاسی، تأثیر زیادی بر اقتصاد ایران گذاشت. چنان‌که حجم مبادلات خارجی ایران در قرن نوزدهم افزایش یافت و کشور به اقتصاد بین الملل و تجارت آزاد متصل شد (زیباکلام، ۱۳۷۶، ۲۲۲). این تحولات با اکتشاف نفت در قرن بیستم سرعت یافت (دیگار، ۱۳۷۷، ۲۹۱). کشف نفت و تزریق سرمایه نفتی به شهرهای مختلف باعث شکل‌گیری جامعه مصرفی و شهرهای اقتصاد محور شد. ورود بودجه‌های ناشی از درآمدهای نفتی موجب افزایش کالاهای وارداتی و کاهش تولیدات شهر و روستاهای اطراف آن شد و نیاز شهر به روستا را

شرایط زنان مجبور به حضور در محل کار در زمان مشخص هستند و نیمی از روز را در خانه حضور ندارند بنابراین بسیاری از فعالیت‌های داخل خانه به نهادهای دیگری همچون شیرخوارگاه‌ها و مهدکودک‌ها و رستوران‌ها منتقل شده است (اعزاز، ۱۳۸۷، ۱۲۶-۱۲۷). از سوی دیگر، اشتغال زنان در خارج از خانه و دریافت پول در مقابل کار خود موجب افزایش منابع قدرت آن‌ها در خانواده شده است و مردان نیز واگذاری حدی از قدرت مطلقه‌ی خود را در خانواده، به زنان پذیرفته‌اند و خود نیز در امور داخلی خانه، که در گذشته مخصوص زنان بود، مشارکت فعال پیدا کردند. در این راستا هرم قدرت به نفع زنان تغییر کرد و سهم آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده افزایش یافت (ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹، ۱۱۵).

با جمع‌بندی دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی که در این بخش مطرح شد می‌توان نهاد خانواده را به یک سیستم تشبیه کرد که ساختار آن را جایگاه اعضا (ساختار قدرت)، روابط آن‌ها (پیوندها) و عملکرد این اعضا (عملکرد خانواده) تشکیل می‌دهند. براین اساس جدول (۲) با بیان تغییرات کلی ساختار خانواده که در پی تغییرات ساختار اقتصادی آن به‌وجود آمده است، مقوله‌های محوری را معرفی نموده است. که در ادامه مبنای تحلیل خواهند بود.

بستر مورد مطالعه و نمونه‌های موردی

شهر یزد نمونه برجسته از شهرهایی است که ساختار اجتماعی، فرهنگی و کالبدی آن علی‌رغم تغییرات عمده اواخر دهه چهل به بعد، می‌تواند روشنگر ترکیب فضایی یک شهر سنتی ایرانی در دوره اسلامی باشد. (توسلی، ۱۳۸۱، ۲۷) چنان‌که امروزه در این شهر، خانواده‌هایی با شیوه‌های تأمین معاش متفاوت و ساختارهای مختلف (گسترده و هسته‌ای، تولیدی و مصرفی و...) در کنار یکدیگر دیده می‌شوند. علاوه بر آن با وجود ساخت الگوهای متفاوت مسکن در دوره‌های مختلف زمانی،

چنین روندی، تضعیف وابستگی‌های شغلی و طبقاتی در سطح خانواده است (سرای، ۱۳۸۹، ۴۸). این جریان ساختار سنتی خانواده را از لحاظ اقتدار حاکم بر آن سست کرده و به تعبیر عنایت فردگرایی را در خانواده گسترش داده است (عنایت، ۱۳۸۹، ۱۰۸).

حضور افراد در پایگاه‌های متفاوت جامعه علاوه بر تغییر الگو و ساختار خانواده، بر زمان‌بندی زندگی خانواده نیز تأثیر گذاشته است چنان‌که در جوامع ابتدایی، سنجش زمان با چرخه کار و وظایف خانگی پیوند داشته است و چرخه کار نیز بر اساس طبیعت شکل می‌گرفته است، آهنگ زندگی مردم کشاورز به شدت تابع آهنگ فصل‌ها بوده است اما در جوامع صنعتی زمان کار و استراحت از سوی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و شرکت‌ها به مردم تحمیل می‌شود بنابراین برنامه زندگی مردم از سوی نهادهایی خارج از خانواده دیکته می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۸، ۲۵۵-۲۵۶).

جامعه‌شناسانی که بیشتر از دیدگاه فمینیستی به موضوع خانواده نظر می‌کنند، تأثیر تحولات ساختار اقتصادی خانواده را بر روابط سنتی و نقش زنان مورد توجه قرار داده‌اند. لنسکی در این زمینه دیدگاه تندی داشته و معتقد است که در گذشته وظیفه زنان تنها عبارت بود از: بارداری در سال‌های جوانی، نگهداری از نوزادان، انجام تکالیف خانگی، نگهداری از مزرعه و مانند آن و این وظیفه در جامعه مدرن بسیار تغییر کرده است (لنسکی، ۱۳۶۹). در این راستا عنایت نگاه معتدل‌تری دارد و معتقد است: نقش‌های سنتی که برای مردان آوری و حضور در فضای خارج از خانه و برای زن نقش‌های خانگی متصور بود در این دوره دستخوش تغییرات بسیار شده است. (عنایت و موحد، ۱۳۸۳، ۱۵۸) در گذشته بسیاری از زنان علاوه بر امور خانه‌داری، به کارهای تولیدی نیز مشغول بودند اما در آن زمان، محل کار و زندگی از یکدیگر جدا نبود. شرایط کار در جوامع صنعتی جدایی کامل میان محل زندگی و محل کار را در پی داشت در این

جدول ۲. تحولات ساختار خانواده.

تغییرات ساختار اقتصادی خانواده	تغییرات ساختار خانواده		
	مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله‌های محوری
تغییرات ساختار اقتصادی خانواده	اشتغال همه اعضا در واحد اقتصادی خانواده	اشتغال اعضا در پایگاه‌های مختلف جامعه (کارخانه‌ها و شرکت‌ها و ادارات دولتی)	وابستگی برنامه خانواده به سایر پایگاه‌های جامعه
	فعالیت زنان در داخل خانه	اشتغال زنان در خارج از خانه	حذف وظایف آموزش، جامعه‌پذیری و اشتغال از خانواده
تغییرات ساختار اجتماعی خانواده	خانواده گسترده	خانواده هسته‌ای	کاهش ارتباط نسل‌ها
	اشتغال در حرفه پدر	اشتغال در پایگاه‌های مختلف جامعه	شکل‌گیری هنجارها و ارزش‌های مختلف برای اعضای خانواده
	تعیین جایگاه و نقش اجتماعی افراد بر اساس تعلق به خانواده	تعیین جایگاه افراد بر اساس صلاحیت و شایستگی‌های خود	افزایش محوریت فرد در خانواده و جامعه
تغییرات ساختار قدرت	پدر مدیر و کارفرمای اقتصادی خانواده	تضعیف وابستگی شغلی و طبقاتی به پدر	تضعیف مدیریت پدرمآبی
	فعالیت زنان در داخل خانه (در راستای حرفه خانوادگی و فعالیت‌های خانه‌داری)	اشتغال زنان در خارج از خانه	افزایش منابع قدرت زنان
	خانواده گسترده	خانواده هسته‌ای	مشارکت بیش‌تر زنان در تصمیم‌گیری
			کاهش وابستگی به والدین

آن‌ها نیز به پیشبرد پژوهش کمک بسیاری نمود. خانواده‌های ساکن در مسکن میانی ساختارهای خانوادگی بسیار متنوعی دارند و الگوی آنها از یک خانواده سنتی با روابط گسترده فامیلی تا خانواده هسته‌ای را در بر می‌گیرد، نمونه‌های مسکن جدید نیز در برگیرنده خانواده‌های هسته‌ای هستند که پدر و مادر در سازمانی دولتی مشغول به فعالیت می‌باشند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش داده‌های به دست آمده از پژوهش که شامل عکس، مشاهده، مصاحبه و برداشت‌های میدانی است براساس شیوه تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای تحلیل و ارزیابی شدند. بر اساس این شیوه، نظریه‌پردازی در سه مرحله انجام شده است که عبارتند از:

۱. کدگذاری باز: با تجزیه و تحلیل داده‌ها به نام‌گذاری آن‌ها، مفهوم سازی و در نهایت مقوله‌سازی پرداخت.
۲. کدگذاری محوری: فرایند مرتبط ساختن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی‌تر در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها است. در این مرحله شرایط، عمل/تعامل و پیامدها مشخص شدند.
۳. کدگذاری گزینشی: مرحله اصلی نظریه‌پردازی است، در این مرحله مقوله‌ها به شکلی نظام‌مند حول یک مفهوم مرکزی سازماندهی شدند. در ادامه نتایج به دست آمده از هر مرحله بیان شده است (استراوس و کربین، ۱۳۹۴).

کدگذاری باز

در این مرحله داده‌های به دست آمده به صورت دقیق مورد بازبینی قرار گرفتند، ویژگی‌ها و ابعاد مختلف آن‌ها بررسی شد. بر این اساس مفاهیم مختلف از داده‌ها استخراج شده و برچسب گذاری شد. مفاهیم

همه الگوها پابر جا هستند و به حیات خود ادامه می‌دهند و این قابلیت‌ها در پژوهش حاضر، امکان مقایسه تطبیقی در زمینه موضوع مورد نظر را فراهم آورده است. با توجه به تأثیر فراوان انقلاب صنعتی بر تحولات اقتصادی، بازه زمانی مورد مطالعه، پیش از ورود انقلاب صنعتی به ایران (و یزد) تا امروز است. برای انجام مطالعه در این بازه زمانی، سه الگوی غالب مسکن یزد به صورت هدفمند انتخاب شدند. این الگوها عبارتند از "نوع اول (سنتی): مسکن حیاط مرکزی که تا دوره پهلوی اول ساخته می‌شده است در این خانه‌ها معمولاً ابتدا یک خانواده گسترده زندگی می‌کرده است و بعدها خانواده‌های دیگر که اکثراً هسته‌ای هستند جایگزین شدند. نوع دوم (میانی): خانه‌هایی است که یک حیاط اختصاصی در یک سمت دارند و معمولاً به صورت یک طبقه ساخته می‌شوند. الگوی این خانه‌ها از پهلوی دوم و زمان اوج انقلاب صنعتی در یزد شکل گرفت و تا امروز تغییرات مختصری داشته است. مسکن نوع سوم (جدید) نیز خانه‌های آپارتمانی و یا چند طبقه با فضای باز مشترک برای ساکنین هستند که امروزه در همه شهرها با الگوهای نسبتاً مشابه ساخته می‌شوند و در هر طبقه یک خانواده هسته‌ای زندگی می‌کنند تصویر (۳)" البته الگوهایی نیز وجود دارد که بین این الگوها قرار می‌گیرند اما به دلیل پراکندگی و تفاوت‌های مختصر، موارد قابل اتکایی برای پژوهش حاضر نمی‌باشند.

شناختی که برای پژوهش‌گر از مبانی نظری پژوهش در حوزه علوم اجتماعی فراهم شد نیز به انتخاب نمونه‌ها و شناخت ساختار خانواده‌ها بسیار کمک نمود. ساکنان مسکن سنتی غالباً الگویی نزدیک به خانواده گسترده دارند. شغل بسیاری از آن‌ها، کشاورز، تعمیرکار و شغل‌های کارگاهی است. بسیاری از این افراد تجربه سکونت در این خانه‌ها را از زمان پدر و پدر بزرگ خود دارند بنابراین استفاده از تجربیات گذشته سکونت

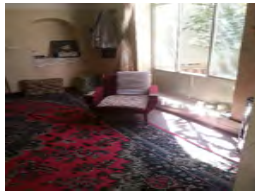
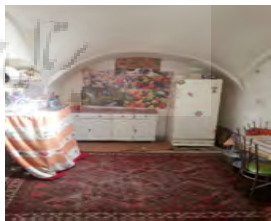


تصویر ۳. الگوهای متداول سه نوع مسکن در یزد. مأخذ: (یافته‌های پژوهش)

حاصل شده تحت عنوان مفاهیم ثانویه و مقولات عمده نامگذاری شدند. این فرایند بعد از انجام اولین مصاحبه آغاز شد و نگاه پژوهشگر را در گردآوری داده‌های بعدی عمیق‌تر نمود. داده‌های به‌دست آمده از هر سه نوع مسکن هستند اما برای کدگذاری در جداول ۳-۵ بیش‌تر داده‌ها از

جدول ۳. کدگذاری باز (مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه، مشاهده و برداشت‌های میدانی).

مقوله محوری: ساختار قدرت در خانواده			
مقوله عمده	مفاهیم ثانویه	مسکن سنتی	مسکن جدید
تغییر جایگاه مردها (پدر)	کاهش شخصی سازی فضاهای داخل خانه توسط پدر کاهش مساحت فضاهای متعلق به پدر	پ۱: پدر زمانی که در منزل است در اتاق شخصی خود و یا در فضایی مخصوص به خود در اتاق نشیمن استراحت می‌کند. پ۲: پدر این فضاها را متناسب با سلیقه و نیاز خود چیده است. پ۳: پدر بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با حرفه خود را در خانه انجام می‌دهد. پ۴: فضای بیرونی خانه‌ها به ملاقات‌های کاری پدر و فضای کار او اختصاص دارد.	پدر زمانی که در منزل است بر روی مبیل جلو تلویزیون و یا داخل اتاق خواب استراحت می‌کند. جای مشخصی ندارد. این فضاها بر اساس نیازها و علایق او چیده نشده است. فعالیت‌های مرتبط با شغل و حرفه پدر به سازمان‌ها و مراکز خارج از خانه منتقل شده است. در برخی از خانه‌ها در صورت امکان اتاقی به نام اتاق کار وجود دارد.
	افزایش کیفیت فضاهای مرتبط با زنان افزایش ارتباط آشپزخانه با سایر فضاها	پ۵: تغییر مکان آشپزخانه از حیاط به داخل خانه و جانمایی آن در نزدیکی اتاق نشیمن و اتاق‌های خواب. پ۶: حذف دیوار بین آشپزخانه و اتاق نشیمن (آشپزخانه این).	پ۵: تغییر مکان آشپزخانه از حیاط به داخل خانه و جانمایی آن در نزدیکی اتاق نشیمن و اتاق‌های خواب. پ۶: حذف دیوار بین آشپزخانه و اتاق نشیمن (آشپزخانه این).
	افزایش اهمیت فضای کار زنان	پ۷: اولویت فضاها برای خانواده به ترتیب اتاق نشیمن، حیاط، تالار و بعد آشپزخانه است.	اولویت فضاها برای خانواده به ترتیب به اتاق نشیمن، آشپزخانه و بعد اتاق‌ها است.
	افزایش شخص سازی فضاها توسط زنان	پ۸: زنان به جز آشپزخانه، فضایی متعلق به خود ندارند. آشپزی در آشپزخانه، شست و شو در حیاط، قالی بافی و نساجی در زیرزمین، تالار و یا یکی از اتاق‌های خانه انجام می‌شود. پ۹: عملکرد فضاها با توجه به قابلیت آن‌ها بوده است. مثلاً فضاهای رو به آفتاب به عنوان فضای تابستان نشین و فضاهای پشت به آفتاب زمستان نشین بوده است. یا بر اساس حریمیت بوده (اندرونی و بیرونی) و یا نوع شغل خانواده (کشاورز، نساج، قالیباف و...).	زنان علاوه بر آشپزخانه، اتاق خواب را فضای متعلق به خود می‌دانند و برخی نیز اتاقی را به عنوان اتاق کار و یا مطالعه به خود اختصاص می‌دهند.
تغییر جایگاه زنان (مادران)	افزایش مشارکت زنان در مدیریت فضاها	پ۱۰: عمده فعالیت زنان در راستای فعالیت‌های خانه‌داری، نگهداری فرزندان و حرفه خانواده بوده است. پ۱۱: زنان فعالیت‌های خود را در خانه انجام می‌دادند و معمولاً در تمام طول روز در خانه بودند.	عملکرد فضاها معمولاً بر اساس نظر و سلیقه زنان مشخص می‌شود. خرید دکوراسیون منزل و نوع چیدمان خانه بر اساس نظر زنان انجام می‌شود.
	توجه بیشتر زنان به علایق شخصی خود	پ۱۲: فرزندان فضایی مجزا مخصوص به خود ندارند.	عمده فعالیت زنان در راستای شغل، حرفه، تحصیلات و خانه‌داری و نگهداری فرزندان است.
	کاهش زمان حضور زنان در خانه		بسیاری از زنان در سازمان‌های دولتی و یا خصوصی کار و تحصیل می‌کنند و زمان کم‌تری در خانه حضور دارند.
تغییر جایگاه فرزندان	افزایش شخصی سازی فضا توسط فرزندان		فرزندان در انتخاب و چیدمان فضای خود نقش اصلی را در تصمیم‌گیری دارند.

پ۱: اتاق شخصی پدر در خانه سنتی	پ۵: تبدیل هشتی به آشپزخانه به دلیل نزدیکی به اتاق نشیمن	پ۵: تغییر مکان آشپزخانه از حیاط به داخل خانه و قرار گیری در کنار اتاق نشیمن
		
پ۶: حذف دیوار بین آشپزخانه و اتاق نشیمن (سمت راست: خانه سنتی، وسط: خانه میانی، سمت چپ: خانه جدید)		
		

جدول ۴. کدگذاری باز (مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه، مشاهده و برداشت‌های میدانی).

مقوله محوری: تغییر کارکردهای (عملکرد) خانواده			
مقوله عمده	مفاهیم	مسکن سنتی	مسکن جدید
تغییر کیفیات مورد انتظار از خانه	محدود شدن زمان حضور افراد در خانه به زمان‌های مشخص	p۱: زنان و فرزندان در طول روز در خانه حضور دارند. محل کار بسیاری از مردان نیز در خانه است.	در طول روز بسیاری از زنان در خارج از خانه مشغول به تحصیل یا کار هستند. بر اساس ساعت کاری مراکز دولتی، از غروب به بعد همه اعضا در خانه حضور دارند.
	کاهش ارتباط فضای باز و بسته کاهش بهره‌گیری از نور روز و جریان هوا	p۲: ارتباط زیاد با فضای باز و نیمه باز و استفاده از نور خورشید و جریان باد در طول روز مطلوب است.	ارتباط با فضای باز و نیمه باز مطلوب است اما یک اولویت برای خانه نمی‌باشد.
	کاهش تعداد و مساحت بازشوها	p۳: پنجره‌های خانه به سمت حیاط زیاد هستند و معمولاً باز هستند.	پنجره‌های خانه به سمت حیاط و یا کوچه کم هستند و معمولاً بسته هستند و یا یک پرده پوشیده شده‌اند.
	کاهش مساحت مورد نیاز خانواده	p۴: مساحت خانه باید زیاد باشد تا بتواند فضای مناسب برای کار، استراحت و دور هم جمع شدن را فراهم کند.	زنان معتقدند که با توجه به تعداد کم فرزندان مساحت خانه لازم نیست زیاد باشد. هرچه مساحت خانه کمتر باشد نیاز کمتری به نظافت دارد.
	کاهش حضور زنان در آشپزخانه	p۵: در تمام طول روز زنان در آشپزخانه مشغول فعالیت هستند.	زمان حضور زنان در آشپزخانه کمتر است و در مدت حضور در آشپزخانه فعالیت‌های دیگر را نیز کنترل می‌کنند.
	افزایش ارتباط آشپزخانه با سایر فضاها	p۶: آشپزخانه فضایی مجزا از سایر فضاها است.	آشپزخانه در کنار اتاق نشیمن قرار دارد حتی دیوار بین آشپزخانه و اتاق نشیمن حذف شده است.
تغییر عملکردهای خانه	کاهش مساحت مورد نیاز آشپزخانه	p۷: آشپزخانه در این خانه‌ها بزرگ است و فعالیت‌های مختلف مانند پختن نان، درست کردن حلوا، مربا و آشپزی برای جمعیت‌های زیاد در این فضاها انجام می‌شود.	آشپزخانه در این خانه‌ها کوچک است و امکانات آن به منظور آماده‌سازی و گرم کردن غذا در مقیاس خانواده است.
	مجزا شدن فضای خواب از سایر فضاها	p۸: از فضاها به صورت چند عملکردی استفاده می‌شود و فضایی مجزا برای خواب وجود ندارد.	فضاهای مخصوص استراحت از سایر فضاها جدا شده است.
	اهمیت یافتن عملکرد استراحت در خانه	p۹: خانه باید بتواند فضایی برای کار، استراحت، مراسم‌های مختلف و بازی بچه‌ها فراهم کند.	خانه باید بتواند آرامش و سکوت را برای استراحت شبانه فراهم کند.
	حذف برخی از عملکردهای خانه	p۱۰: فرزندان در خانه آموزش می‌بینند و تفریح می‌کنند.	فرزندان در خارج از خانه آموزش می‌بینند و تفریح می‌کنند. (مدرسه، مهد کودک، خانه مادر بزرگ، فرهنگسراها، پارک‌ها و...).

p۲: کاهش ارتباط ساکنان با فضای باز و نیمه باز



مسکن سنتی و جدید هستند زیرا تغییرات را به خوبی نشان می‌دهند.

کدگذاری محوری

در این مرحله پدیده‌های مورد مطالعه در ساختار خود قرار می‌گیرند و چگونگی شکل‌گیری یک مقوله، روشن می‌شود در واقع این بخش با پاسخ به پرسش‌هایی نظیر چه کسی، چه وقت، در کجا، چرا، چگونه و با چه پیامدهایی؟ رابطه بین مقوله‌ها را مشخص می‌سازد (استراوس و کربین، ۱۳۹۴). در این بخش از پژوهش شریایلی که منجر به تغییرات ساختار فضایی مسکن شده‌اند، تحت عنوان شرایط علی، مداخله‌گر و

زمینه‌ای، مشخص شدند. شرایط علی عواملی هستند که در اثر تغییر ساختار خانواده موجب تغییراتی در سازماندهی فضایی مسکن شدند. شرایط مداخله‌گر عبارتند از ورود تکنولوژی‌های جدید و ترویج انواع سبک زندگی در رسانه‌ها و افزایش سطح تحصیلات زنان که تغییرات رفتار و سبک زندگی خانواده را سرعت بخشیدند. تمایل مردم یزد به زندگی سنتی و ارتباط گسترده خویشاوندی نیز در تلاش برای پایداری مردم به رفتارها و شیوه زندگی سنتی است و از سرعت تغییرات کم می‌کند. مواردی نیز به عنوان شرایط زمینه مشخص شدند، این شرایط امروزه در بستر مورد

جدول ۵. کدگذاری باز (مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه، مشاهده و برداشت‌های میدانی).

مقوله محوری: تغییر پیوندهای درون خانواده			
مقوله‌های عمده	مفاهیم ثانویه	مسکن سنتی	مسکن جدید
افزایش محوریت فرد در خانواده	تک عملکردی شدن فضاها شکل‌گیری مالکیت برای فضاها	p۱: فضاها بر اساس قابلیت‌هایی که دارند استفاده می‌شوند. بر همین اساس هم نام‌گذاری می‌شوند مانند زمستان‌نشین و تابستان‌نشین، اندرونی و بیرونی	هر فضا مخصوص به یک عملکرد و یا یک شخص است. بر همین اساس هم نام‌گذاری می‌شوند مثل اتاق خواب والدین، اتاق فرزندان، اتاق کار، اتاق غذاخوری و ...
	افزایش مرزبندی فضاهای شخصی	p۲: افراد فضای شخصی با مرزهای فیزیکی مشخص ندارند.	اتاق هر فرد محدوده شخصی او است و بقیه به آن احترام می‌گذارند.
	افزایش تعداد فضاهای مجزا (تفکیک فضایی)	p۳: هر چه مساحت فضاها بیشتر باشد مطلوب‌تر است.	هر چه تعداد اتاق‌ها بیشتر باشد بهتر است.
کاهش محوریت جمع در خانواده	اشتغال در پایگاه‌های مجزا در جامعه تضعیف وابستگی‌های شغلی	p۴: همه اعضای خانواده در راستای حرفه خانواده فعالیت می‌کنند.	فعالیت افراد در راستای حرفه و علایق شخصی خود است.
	کاهش ارتباط نسل‌ها	p۵: در خانه یک خانواده گسترده شامل پدر بزرگ و مادر بزرگ، فرزندان و نوه‌ها زندگی می‌کنند. (سه نسل در یک خانه)	در خانه یک خانواده هسته‌ای شامل پدر، مادر و بچه‌ها زندگی می‌کنند.
	کاهش سیالیت فضایی کنترل قلمرو شخصی	p۶: اتاق‌ها به صورت زنجیروار به یکدیگر متصل هستند. p۷: ساکنان امروز خانه‌های سنتی بسیاری از ورودی‌ها را بسته‌اند.	اتاق‌ها با یک در به سایر فضاها متصل هستند. این درها نیز معمولاً بسته هستند.
کاهش تنوع فضای جمعی کاهش مساحت فضای جمعی	کاهش تنوع فضای جمعی کاهش مساحت فضای جمعی	p۸: خانواده در فضاهای مختلفی مانند حیاط، تالار و اتاق نشیمن دور هم جمع می‌شوند.	خانواده در فضای هال دور هم جمع می‌شوند.



مطالعه وجود دارند و از جمله دلایل انتخاب این شهر برای پژوهش هستند.

در مواجهه با این شرایط راهبردهایی شکل می‌گیرند که خود را در قالب تغییرات شکل گرفته در مسکن نشان می‌دهند. این راهبردها نیز منجر به شکل‌گیری پیامدهایی خواسته یا ناخواسته می‌شوند که تأثیر خود را در سازمان فضایی مسکن نشان می‌دهد. مجموع این موارد در تصویر (۴) به اجمال بیان شده است.

کدگذاری گزینشی

این مرحله که مرحله اصلی نظریه‌پردازی است در تلاش است که مقوله‌های بیان شده در مراحل قبل را به شکلی نظام‌مند به مقوله هسته مرتبط سازد. در این مرحله مقوله‌های اضافی و ناهم‌هنگ حذف شدند و یا تغییر یافتند. مقوله هسته برای این بخش، تغییر ساختار خانواده می‌باشد که در پی تغییر نقش اقتصادی خانواده ایجاد شده است. ساختار خانواده نیز به عنوان یک نهاد مجموعه‌ای از افراد است که هر یک جایگاه مشخصی دارند (ساختار قدرت) این افراد با یکدیگر مرتبط هستند (پیوندها) و وظایفی بر عهده دارند (عملکرد)، بر اساس تحلیل‌های انجام شده، تغییرات این موارد در ادامه منجر به ایجاد تغییراتی در سازمان

فضایی مسکن شده که در تصویر (۵) سازماندهی شده است.

نتیجه

از میان عوامل تأثیرگذار بر مسکن، اقتصاد همواره نقش تعیین کننده‌ای بر عهده داشته است. تحولات اقتصادی در ایران با ظهور انقلاب صنعتی شدت یافت و تأثیرات آن با تأخیر، در شهرهای مختلف ایران بروز یافت. پس از صنعتی شدن، نقش خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی تغییر نمود و از یک واحد تولیدی- مصرفی به یک واحد صرفاً مصرفی تبدیل شد. این تغییر نقش، ساختار خانواده را متحول کرد و با تغییر جایگاه، روابط و نیازهای افراد خانواده، زمینه ساز تغییر در سازماندهی فضاها شد. مطالعات صورت گرفته در بخش مبانی نظری نشان می‌دهد که خانواده پس از تغییر شیوه‌های تأمین معاش و ساختار اقتصادی خود، دچار تغییراتی در عملکرد خود، پیوند اعضا و ساختار قدرت شد. تحلیل داده‌های به دست آمده از نمونه‌های موردی نشان می‌دهند که این موارد در خانواده، خود را به صورت تغییر جایگاه مرد، زن و فرزند، کاهش محوریت جمع، افزایش محوریت فرد و تغییر عملکرد خانه نشان داده است و تأثیر آن‌ها در سازمان‌دهی فضاها، به صورت حذف سلسله



تصویر ۴. نمودار پارادایمی کدگذاری محوری داده ها.

مراتب سنی و جنسی در سازماندهی فضاها، محوریت فرد در سازماندهی فضاها، کاهش سیالیت فضاها، و تغییر کیفیات مورد انتظار از فضاها نمود یافته است.

• **حذف سلسله مراتب سنی و جنسی در سازماندهی فضاها تحت** تأثیر شرایطی مانند افزایش مشارکت فرزندان و زنان در تصمیم گیری ها و افزایش توجه زنان به علایق شخصی خود ایجاد شده است و خود را به صورت افزایش محوریت فضاهای متعلق به فرزندان و مادر، کاهش محوریت فضاهای متعلق به پدر، افزایش مشارکت زنان در مدیریت فضاها و افزایش کیفیت فضاهای کار زنان نشان داده است.

• **محوریت فرد در سازماندهی فضاها به دلیل شرایطی از قبیل کاهش** ارتباط نسل ها، تضعیف وابستگی شغلی به پدر و اشتغال در پایگاه های مختلف جامعه ایجاد شده و خود را به صورت کاهش مساحت و تنوع فضاهای جمعی، افزایش تعداد فضاهای فردی و تک عملکردی و افزایش مرزبندی فضایی نشان داده است.

• **کاهش سیالیت فضایی به دلیل شرایطی مانند کاهش ارتباط نسل ها،** تضعیف وابستگی شغلی به پدر و اشتغال در پایگاه های مختلف جامعه، کاهش زمان حضور در خانه، حضور در زمان های مشخص، حذف و محدود شدن برخی عملکردهای خانه و آشپزخانه و افزایش اهمیت عملکرد استراحت، ایجاد شده است که به صورت کاهش ارتباط فضاهای باز و بسته، افزایش مرزبندی فضایی و افزایش تعداد فضاهای فردی و تک عملکردی نمود یافته است.

• **تغییر کیفیات مورد انتظار از خانه در جهت تبدیل خانه به محلی** برای استراحت شبانه بوده است. کاهش زمان حضور در خانه و حضور همه افراد از عصر به بعد در خانه موجب شده است که افراد، زمان های مختلف روز را در خانه تجربه نکنند. علاوه بر آن امروزه بسیاری از عملکردهای خانه و آشپزخانه، که در مسیر پژوهش بیان شد، حذف شدند و یا تغییر نمودند و با توجه به زمان حضور افراد در خانه، عملکرد استراحت در اولویت قرار گرفته است. تأثیر این شرایط در خانه به صورت کاهش ارتباط فضاهای باز و بسته، کاهش مساحت مورد نیاز خانه و مخصوصاً آشپزخانه، افزایش ارتباط آشپزخانه با سایر فضاها و افزایش مساحت فضاهای استراحت و شکل گیری فضاهایی مجزا برای خواب و کاهش بهره گیری از نور روز نمود یافته است.

در پایان باید توجه داشت که امروزه به دلیل تنوع مشاغل، توجه به ساختار اقتصادی خانواده از نکات بسیار مهم در طراحی مسکن می باشد و عدم توجه به این موضوع در پروژه های انبوه سازی مسکن و مجتمع های مسکونی می تواند نتایج بسیار نامطلوبی را به همراه داشته باشد. دستاوردهای کاربردی پژوهش حاضر می تواند برای بسیاری از شهرها که ساختاری مشابه شهر یزد را دارند نیز پاسخگو باشد. علاوه بر آن فرایند و روش انجام پژوهش از دیگر دستاوردهای بسیار مهم آن برای پژوهش های مشابه و به خصوص بین رشته ای معماری و علوم اجتماعی است.

مراتب سنی و جنسی در سازماندهی فضاها، محوریت فرد در سازماندهی فضاها، کاهش سیالیت فضاها، و تغییر کیفیات مورد انتظار از فضاها نمود یافته است.

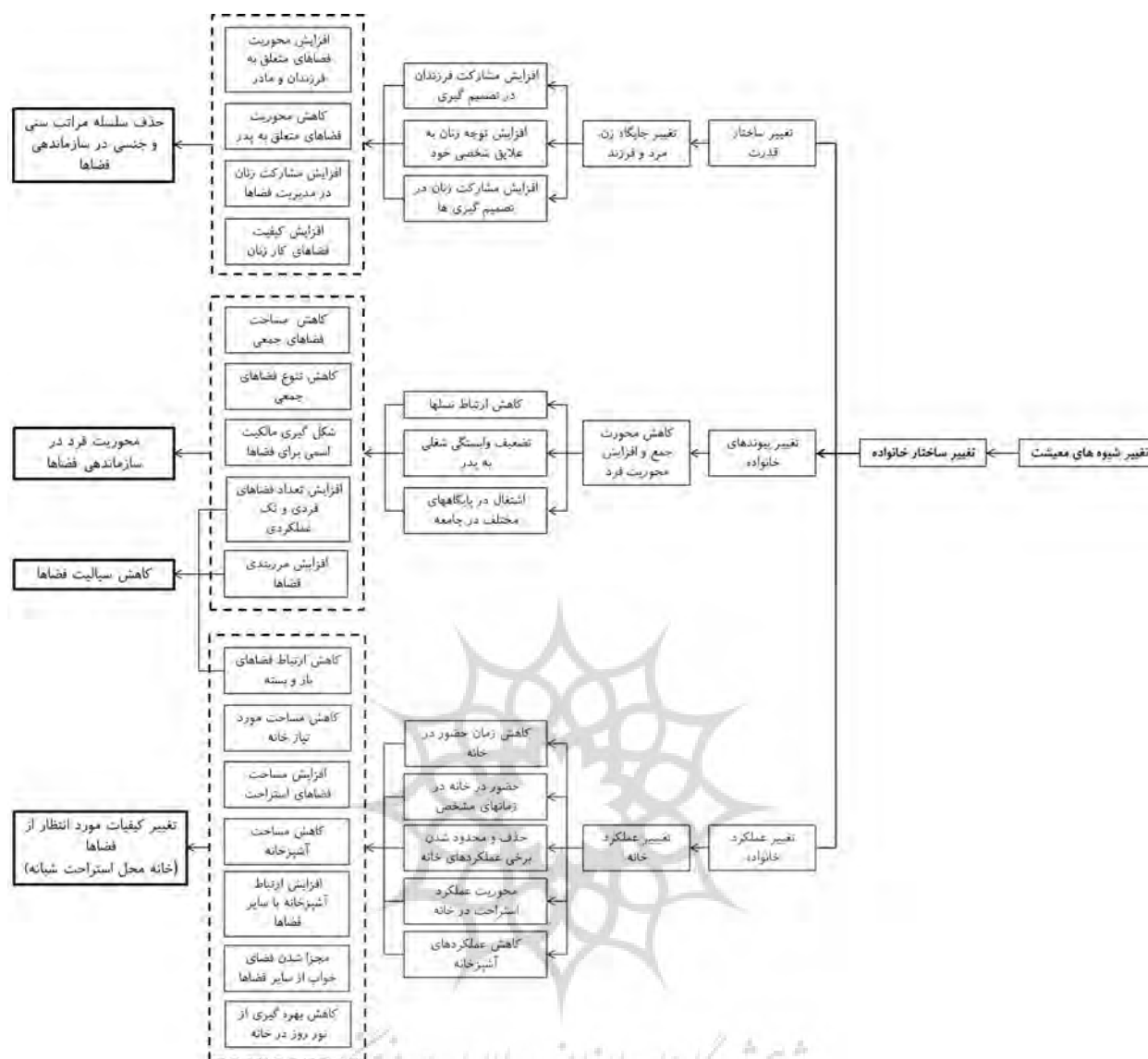
• **حذف سلسله مراتب سنی و جنسی در سازماندهی فضاها تحت** تأثیر شرایطی مانند افزایش مشارکت فرزندان و زنان در تصمیم گیری ها و افزایش توجه زنان به علایق شخصی خود ایجاد شده است و خود را به صورت افزایش محوریت فضاهای متعلق به فرزندان و مادر، کاهش محوریت فضاهای متعلق به پدر، افزایش مشارکت زنان در مدیریت فضاها و افزایش کیفیت فضاهای کار زنان نشان داده است.

• **محوریت فرد در سازماندهی فضاها به دلیل شرایطی از قبیل کاهش** ارتباط نسل ها، تضعیف وابستگی شغلی به پدر و اشتغال در پایگاه های مختلف جامعه ایجاد شده و خود را به صورت کاهش مساحت و تنوع فضاهای جمعی، افزایش تعداد فضاهای فردی و تک عملکردی و افزایش مرزبندی فضایی نشان داده است.

• **کاهش سیالیت فضایی به دلیل شرایطی مانند کاهش ارتباط نسل ها،** تضعیف وابستگی شغلی به پدر و اشتغال در پایگاه های مختلف جامعه، کاهش زمان حضور در خانه، حضور در زمان های مشخص، حذف و محدود شدن برخی عملکردهای خانه و آشپزخانه و افزایش اهمیت عملکرد استراحت، ایجاد شده است که به صورت کاهش ارتباط فضاهای باز و بسته، افزایش مرزبندی فضایی و افزایش تعداد فضاهای فردی و تک عملکردی نمود یافته است.

• **تغییر کیفیات مورد انتظار از خانه در جهت تبدیل خانه به محلی** برای استراحت شبانه بوده است. کاهش زمان حضور در خانه و حضور همه افراد از عصر به بعد در خانه موجب شده است که افراد، زمان های مختلف روز را در خانه تجربه نکنند. علاوه بر آن امروزه بسیاری از عملکردهای خانه و آشپزخانه، که در مسیر پژوهش بیان شد، حذف شدند و یا تغییر نمودند و با توجه به زمان حضور افراد در خانه، عملکرد استراحت در اولویت قرار گرفته است. تأثیر این شرایط در خانه به صورت کاهش ارتباط فضاهای باز و بسته، کاهش مساحت مورد نیاز خانه و مخصوصاً آشپزخانه، افزایش ارتباط آشپزخانه با سایر فضاها و افزایش مساحت فضاهای استراحت و شکل گیری فضاهایی مجزا برای خواب و کاهش بهره گیری از نور روز نمود یافته است.

در پایان باید توجه داشت که امروزه به دلیل تنوع مشاغل، توجه به ساختار اقتصادی خانواده از نکات بسیار مهم در طراحی مسکن می باشد و عدم توجه به این موضوع در پروژه های انبوه سازی مسکن و مجتمع های مسکونی می تواند نتایج بسیار نامطلوبی را به همراه داشته باشد. دستاوردهای کاربردی پژوهش حاضر می تواند برای بسیاری از شهرها که ساختاری مشابه شهر یزد را دارند نیز پاسخگو باشد. علاوه بر آن فرایند و روش انجام پژوهش از دیگر دستاوردهای بسیار مهم آن برای پژوهش های مشابه و به خصوص بین رشته ای معماری و علوم اجتماعی است.



تصویر ۵. مدا، تحلیل، حاصل، از کدگذاری، گزینشی، داده‌ها.

دیگر کاربردی ندارد و اکنون افراد با سلسله بی‌پایانی از انتخاب‌ها روبه‌رو هستند که نوع بیوندهای آن‌ها را مشخص می‌کند. (گیدنز، ۱۳۸۷، ۲۵۴-۲۵۹).

فهرست منابع

استراوس، انسلم، کرین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار (چاپ چهارم) انتشارات نی. اعزازی، شهلا (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. چاپ اول، روشنگران و مطالعات زنان.

آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۱). انسان و خانه: تبیین الگوی تعامل انسان و خانه معاصر در ایران [پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تهران]. تهران.

اکزاد، جهان‌ناش: بزرگ، حمیده (۱۳۹۳). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. چاپ دوم. آرمانشهر.

پورديهیمی، شهرام (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. نشریه مسکن و محیط روستا. ۳۰ (۱۳۴)، ۱۸-۳. <https://sid.ir/paper/186067/fa> SID.

توسلی، محمود (۱۳۸۱). ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران. (چاپ اول). پیام.

جهان‌پور، بهروز (۱۳۸۰). سیر تحول معماری مسکن تهران در دوره پهلوی. [پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تهران]. تهران.

یہ نوشتہا

1. Grounded theory.
2. Open coding.
3. Axial coding.
4. Selective coding.

۵. گیدنز این پیش فرض های متفاوت را در سه دیدگاه عمده بررسی نموده است که به اختصار عبارتند از:

کارکردگرایی: دیدگاه کارکردگرایی، جامعه را همچون مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی به شمار می‌آورد که کارکردهای معینی برای تضمین تداوم و موفق جامعه دارند...

فمنیستی: جامعه‌شناسان فمینیسم توجه همگان را به سمت درون خانواده‌ها و بررسی تجربه زنان در قلمرو خانه بازگرداندند. در این دیدگاه تمرکز اصلی بر نقش زنان در خانواده و مسئولیت‌های آن‌ها و مساوات در خانواده‌ها می‌باشد.

دیدگاه‌های نو: دیدگاه‌هایی که در دهه‌های گذشته مطرح شده از دیدگاه فمینیستی استفاده کرده‌اند اما به آن محدود نماندند و دگرگونی‌های عظیم خانواده را ناشی از تغییرات عصر مدرن می‌دانند. چنانکه برخی از نظریه‌پردازان این دیدگاه به بررسی ماهیت پرتلاطم روابط شخصی، ازدواج‌ها و الگوهای خانوادگی در پس زمینه‌ی دنیای به سرعت دگرگون شونده فعلی می‌پردازند و معتقدند که سنت، قواعد و هنجارهایی که در گذشته بر روابط شخصی حاکم بود

- فاضلی، نعمت اله (۱۳۸۷). مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱ (۶۳-۲۵). SID. <https://sid.ir/paper/136881/fa>
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۸). *انسان شناسی شهری*. نی.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۷۱). *شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب*. فضا.
- گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن (۱۳۸۷). *جامعه شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان (چاپ دوم). نی.
- لنسکی، گرهارد؛ لنسکی، جیم (۱۳۶۹). *سیر جوامع بشری*. ترجمه دکتر ناصر موفقیان (چاپ اول). شرکت سهامی.
- مک کارتی، جین ربنز؛ ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*. ترجمه محمد لبیلی. علم.
- یزدان فر، عباس، حسینی، باقر، وزرودی، مصطفی (۱۳۹۲). *فرهنگ و شکل خانه (مطالعه موردی: خانه های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر)*. مسکن و محیط روستا، ۳۲ (۱۴۴)، ۱۷-۳۲. SID. <https://sid.ir/paper/186142/fa>
- Abu- GhazzeH Tawfiq M. (1994). Human Purposes and the Spatial Formation of Open Spaces. *The Journal of Architecture and Behavior*. 10 (2), 169- 187.
- Hanan, H. (2012). *Modernization and Cultural Transformation: The Expansion of Traditional Batak Toba House in Huta Siallagan*. ASEAN Conference on Environment-Behavior Studies, Procedia - Social and Behavioral Sciences. 50, 800 – 811. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.08.082>
- Rapoport, A. (1969). *House form and culture*. Prentice- Hall.
- Yancey (1985), *Architecture Interaction and Social Control: The case of largescale housing project*, *The Journal of Enviroment and Behaviour*, 3, 3-21. <https://doi.org/10.1177/00139165710030>

- دهقان منشادی، مهدی؛ هاشمی باجگانی، لیلا (۱۳۸۸). *یک قرن دگرگونی. نیکوروش*.
- دیگار، ژان پیر؛ هورکارد، برنار؛ ریشار، یان (۱۳۷۷). *ایران در قرن بیستم: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در یکصد سال اخیر*. ترجمه عبدالرضا مهدوی (چاپ اول). البرز.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۹). *انسان شناسی مسکن*. ترجمه خسرو افضلیان (چاپ اول). حرفه هنرمند.
- زیباکلام، صادق، سنت و مدرنیته (۱۳۷۶). روزنه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). *جامعه شناسی خانواده*. سروش.
- ساروخانی، باقر؛ دودمان، لیلا (۱۳۸۹). *ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی در شهر شیراز*. *مجله تخصصی جامعه شناسی*، ۱ (۱)، ۱۰۶-۱۲۹. <https://sid.ir/paper/170142/fa>
- سرای، حسن؛ سهامی، سوسن (۱۳۸۹). *بررسی تأثیر شغل بر ارزش های معطوف به توسعه زنان: مطالعه موردی زنان شهر شیراز*. *فصلنامه زن و جامعه*، ۳ (۳)، ۴۱-۶۲. <http://noo.rs/Oa7aV>
- صادقی فسایی، سهیلا، و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۲). *تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی. زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*، ۵ (۱)، ۶۱-۸۲. SID. <https://sid.ir/paper/160518/fa>
- علی الحسابی، مهران، و کرانی، نعیمه (۱۳۹۲). *عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده. مسکن و محیط روستا*، ۳۲ (۱۴۱)، ۱۹-۳۶. SID. <https://sid.ir/paper/186193/fa>
- عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید (۱۳۸۳). *زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن. نشریه پژوهش زنان*، ۲ (۲)، ۱۵۳-۱۶.
- <https://civilica.com/doc/1793480>
- عنایت، حلیمه؛ دسترنج، منصوره (۱۳۸۹). *مطالعه ساختار قدرت در خانواده: مطالعه موردی شهر لار، زن در توسعه سیاست (پژوهش زنان)*، ۸ (۱)، ۱۰۷-۱۲۴. <https://civilica.com/doc/1793076>